

چالش‌های جریان‌های تکفیری و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری

علیرضا دانشیار^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۲۳

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۱۵

چکیده

پدیده تکفیر به مثابه جریانی خطرناک، جهان اسلام را به چالش کشیده‌اند. نخبگان جهان اسلام باید در این زمینه به چاره اندیشی بپردازند. این تحقیق تلاش دارد چالش‌ها و راهکارهای برون رفت از پدیده تکفیر و جریان‌های خطرناک همسو با آن را، از منظر مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار دهد. چالش‌های جریان‌های تکفیری از منظر رهبری در سه حوزه قابل بررسی است: یک در سطح باورها و اعتقادات: جریان‌های تکفیری، از توحید و شرک و سایر مفاهیم دینی، درک ناقص و بدعت‌آمیز و غیر عقلانی دارند. دو چالش اخلاقی: مهمترین خصوصیت جریان‌های تکفیری، «جهالت» و بی خبری و نوعی خباثت درونی است که منجر به دوری از حقیقت و بی تقوایی و سقوط در ورطه رذیلت و تباهی شده است. سه چالش‌های رفتاری: مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری، سستی‌جویی، خشونت، فساد انگیزی، ترور و جنایت و خونریزی، ایجاد کننده تفرقه میان مسلمانان، نابود کننده تمدن و فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی، تقویت کننده دشمنان اسلام را، می‌توان نام برد. در عرصه راهکارهای فکری - فرهنگی برای مقابله با جریان‌های تکفیری، امت اسلامی باید به تقویت تقریب مذاهب اسلامی، گفتگو و تفاهم بر سر مشترکات، پرهیز از اختلاف افکنی و نموده‌های تشدید آن، بازگشت به قرآن و فهم دقیق رویکردهای قرآنی در جلوگیری از تفرقه و اتحاد دنیای اسلام را، در دستور کار و عمل خود قرار دهد. در عرصه راهکارهای سیاسی - اجتماعی جهان اسلام باید همگرایی و وحدت میان مسلمین، آگاه سازی نخبگانی، لزوم شناخت و طرد دشمن را جزء کارویژه‌های اساسی و محوری خود قرار دهد. با بکار بستن راهکارهای همگرایانه در جهان اسلام ریشه جریان‌های تکفیری خشکانده می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، باورها، تکفیر، جریان‌های تکفیری، چالش‌ها، راهکارها، رفتار .

۱. دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

مقدمه

در مورد چرایی پیدایش پدیده تکفیر، عامل عقیدتی - فرهنگی بیش از سایر عوامل تاثیرگذار است. البته جنایات این گروه‌ها با ادعای دینی، چنان انزجاری در بین مسلمین (سنی و شیعه) پدید آورده که به سختی می‌توان باور کرد این گروه‌ها تحت تاثیر جریان‌های عقیدتی باشند. با این وجود، باید یادآور شد که به شدت از نوعی عقاید پالایش نشده و انحرافی تاثیر پذیرفته و این تاثیر پذیری در مرحله عملکرد و رفتار خشونت‌آمیز و جنایت کارانه و متاسفانه در برخی موارد در قالب‌های دینی نمود یافته است. (دانشیار، ۱۳۹۳: ۴۱۶) مرحله کنونی گروه‌ها و جریان‌های تکفیری بازتابی از سیر تاریخی آنهاست. برای مثال می‌توان به عقاید این تیمیه و محمدبن عبدالوهاب که تا حدودی خصلت انقلابی این گروه‌ها، تحت تاثیر برخی از جریانات و افکار مصری می‌باشد اشاره کرد. جریان‌های تکفیری با گروه خوارج صدر اسلام تشابهاتی دارند. پس از فتنه خوارج، جهان اسلام، در دوران‌ها و مراحل گوناگون شاهد مذاهب و جنبش‌های متعددی شد. در راس این جنبش‌ها، فرقه‌ای است که از تکفیر عموم مسلمانان و نسبت دادن آنان به کفر و شرک پروایی ندارد. موج تکفیر به شمشیر چیره‌ای بدل شده است که برخی آن را به روی مخالفان عقیدتی و مذهبی خویش بیرون می‌کشند و باعث بوجود آمدن افراط‌گرایی، خشونت و جنایت و تباهی و فساد در جهان اسلام شده‌اند. این موضوع در جهان کنونی، از اسلام جلوه خشنی ارائه داده و مسلمانان را تضعیف و آنان را به ملت‌هایی ناسازگار و گروه‌هایی پراکنده بدل کرده است. (حسین احمد، ۱۳۹۰: ۲۰) جریان‌های تکفیری، ویژگی‌هایی نظیر گناه قلمداد کردن اعمال حسنه مسلمانان، تکفیر مسلمانان به خاطر ارتکاب گناه و مباح دانستن خون و اموال آنها. به همین علت تعصب شدید آنان، دشمنی سخت با علی^(ع) و خاندانش، اخذ به ظاهر الفاظ قرآن و سنت، بدون رعایت تفسیر و بدون لحاظ مبانی عقلی و اصولی، بدعت دانستن هر چیزی که در قرآن و سنت نیامده است، تقدس ظاهری و کوشا بودن در عبادات، کافر پنداشتن بقیه مسلمانان و تطبیق آیاتی از قرآن که در شان کفار و مشرکان نازل شده بود به مسلمانان (فیروز جایی، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

این تحقیق به ارزیابی آسیب‌ها و چالش‌های گروه‌های تکفیری از دیدگاه مقام رهبری می‌پردازد و به تناسب راهکارهای برون رفت از مشکلات و آسیب‌های جریان تکفیری را از

دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار می‌دهد. چارچوب نظری بحث، با استفاد از روش «تحلیل متنی» محتوای بیانات مقام رهبری، به آسیب‌ها و چالش‌های جریان‌های تکفیری در سه عرصه چالش‌های عقیدتی، چالش‌های اخلاقی و چالش‌های رفتاری و در نهایت، راهکارهای پیشنهادی از سوی ایشان، خواهد پرداخت. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: چالش‌های جریان‌ها و گروه‌های تکفیری و راهکارهای مقابله با پدیده تکفیر از منظر رهبری چیست؟ که بعد از تبیین مفهوم «تکفیر» در دو بخش: نخست بررسی چالش‌های جریان‌های تکفیری، و دوم راهکارهای مقابله با پدیده تکفیر، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تبیین مفهوم «تکفیر»

واژه تکفیر در دو معنای لغوی و اصطلاحی به کار رفته است: در معنای لغوی، به معنای «حکم به بی‌دینی کسی دادن» و معنای عرفی آن طرد کردن است و در مباحث اسلامی یکی از مفاهیم بسیار بحث برانگیز است. در معنای اصطلاحی می‌توان دو برداشت مهم را در نظر گروه‌ها و جریان‌هایی که به نوعی مساله تکفیر را مطرح می‌کنند، در نظر گرفت:

الف. اولین معنای تکفیر، بیشتر معنایی سیاسی پیدا کرده است که از آراء و نظرات سید قطب قابل استنتاج است. در این معنا، رهبران کنونی جهان اسلام مرتدند. چرا که آنان در معرض عقاید صلیبیان، کمونیست‌ها یا صهونیست‌ها قرار گرفته و به ابزار فساد فرهنگی تبدیل شده‌اند. آنان با دور شدن از اسلام، تشکیلات دولتی را برای غیر اسلامی کردن جامعه به کار می‌گیرند و مسلمانان واقعی را به اقلیتی کوچک تبدیل کرده‌اند. با نفی حاکمیت خداوند به گناه رده (ارتداد) آلوده گشته‌اند. جاهلیت دنیوی و نوین آنان کارآمدتر و بنابراین از جاهلیت قبل از اسلام که ابتدایی‌تر بود، خطرناک‌تر است. این حاکمان از افراد بی‌ایمان بدترند. زیرا برای وفادار ماندن به اصول اسلام فرصت داشته‌اند، ولی به آن پشت کرده‌اند. آنان بافت اخلاقی جامعه را فاسد، و نهادهای دینی را غیر دینی کرده و مردم را با استفاده از الگوهای ملی گرایانه استثمار نموده‌اند. هدف از تکفیر آنان غیر مشروع جلوه دادن تبعیت از آنان و نیز تعیین «کافران داخلی» به عنوان اولین هدف جهادی برای از میان بردن طاغوت، ضروری و لازم است. به همین دلیل، اولیتهای جنبش‌های اسلام‌گرا باید دوباره تعیین شود. مبارزه با دشمن خانگی برای دست گرفتن

حاکمیت، باید بر جنگ با دشمنان دورتر ارجحیت داشته باشد. این مفهوم تکفیر برای مجاز شمردن خشونت بر ضد رهبران دولتی به کار می‌رود. (سید قطب، ۱۲۸۵-۱۳۴۵ش/۱۹۰۶-۱۹۶۶) که احتمالاً قدرتمندترین حامی تکفیر است، به ویژه از تدوین این موضع حمایت کرد. برای مثال گروه جهاد، «تکفیر» را فقط درباره «حاکمان کافر» به کار می‌برد؛ همان گونه که در تک نگاری محمد عبدالسلام فرج با عنوان جهاد الفریضة الغائبة از آن جانب‌داری شده است. گروه جهاد، ترور این حاکمان و گرفتن قدرت از آنان را یک فریضه مهم دینی می‌داند. دسته دیگر از این گروه‌ها چون الجماعة الاسلامیة، تکفیر را درباره دولت و نظام‌های اجتماعی به کار می‌برند و به افراد مسلمان اطلاق نمی‌کنند. بعضی از گروه‌های اسلامی مانند اخوان المسلمین با مفهوم تکفیر مخالف‌اند. در نزد آنان تکفیر یک «انحراف نظری» است که به «انحراف عملی» منجر می‌شود. (ابراهیم کاراوان، ج ۲ / ۲۴۰ - ۲۴۱)

ب. معنای دیگر «تکفیر» را می‌توان در عقاید گروه‌های تندرو از قبیل، تکفیر و الهجره، جند الله - که به نظر می‌رسد متأثر از عقاید قطب، مودودی، ابن تیمیه و ابن کثیر و محمدبن عبدالوهاب هستند - تکفیر را برای جامعه لازم الاجرا می‌دانند و با هجرت به انگیزه آمادگی جهت جهاد نهایی، از جامعه «جاهل» جدا می‌شوند. آنان معتقدند که مسلمانانی که ندای گروه را می‌شنوند اما به آن ملحق نمی‌شوند، کافرند. البته بعضی از رهبران آنان از قبیل حسن الهضیبی (متوفی ۱۹۷۷)، یوسف العظم و یوسف القرضاوی تکفیر مسلمانان را رد کرده و آن را عقیده‌ای می‌دانند که غلو، تحجر و تعصب نشانه آن است. رهبران دیگری چون سلیم البهنسawy بر این باورند که گروه‌های اسلام‌گرای خشونت طلب نگرش قطب را به طور نادرست تعبیر کرده و به ضوابط اسلامی در جوامع مسلمان کنونی توجه ننموده‌اند. از این دیدگاه، درک خشونت‌طلبها درباره فوریت‌خطرهایی که اسلام را از درون تهدید می‌کند اغراق آمیز است و روی آوردن آنان به خشونت بی‌حاصل بوده است. در نزد اخوان المسلمین، تکفیر و طرد مسلمانان موجب فتنه می‌شود و چه بسا به شکاف در امت اسلامی بینجامد و فقط به دشمنان اسلام سود برساند. اخوان المسلمین بر این باور است که دولت و جامعه اسلامی باید اصلاح شوند ولی آنها را مستحق تکفیر نمی‌دانند. جماعت دینی نیز با تکفیر به معنای دلیل منطقی جهت خشونت مخالف است.

رهبران این جماعت عقیده دارند که این مفهوم نمایانگر الحاد است و جوامع مسلمان را متزلزل می‌کند. آنان هم چنین بر این باورند که نظریه پردازان «جاهلیت قرن بیستم» در اصل «خوارج قرن بیستم» هستند. از نظر علما، اسلام تکفیر مسلمانانی را که ایمان خود را اعلام کرده و آداب دینی را به جا می‌آورند، جایز نمی‌شمارد و نیز تأکید می‌کنند که تکفیر بسیار عواقب جدی‌ای به همراه دارد زیرا باعث به قتل رساندن فرد، مصادره اموال و منع از خاکسپاری او به آداب اسلامی می‌شود. در این خصوص، علما سه استدلال، در قالب سؤالات تأکیدی، درباره تکفیر مطرح می‌سازند. اول اینکه چه کسی این حق را دارد تا فردی را که می‌گوید به اسلام اعتقاد دارد کافر بداند؟ دوم اینکه، تکفیر براساس چه ملاک دینی استوار شده است؟ سوم آنکه چه درجه‌ای از تخصص در فقه به فرد قدرت این تشخیص را می‌دهد که آیا فرد مسلمان دیگری از مرز ایمان و بی‌ایمانی عبور کرده است یا خیر؟ (همان) باید در کنار مفهوم «تکفیر» به مفهوم «سلفیه» اشاره کرد. که در برخی موارد باعث اشتباه و تسامح در قلمداد کردن اندیشه سلفیت با تکفیری می‌شود در حالی که صرف تشابه در برخی از افکار دلیل یکی دانستن جریان‌های سلفیه با جریان‌های تکفیری نمی‌شود. از سویی، هرکدام از این جریان‌ها و حتی تکفیری‌ها و نیز وهابی‌ها خود را سلفی و پیرو سلف می‌پندارند. سلفی‌گری روشی است که به تفسیر تحت‌اللفظی از متون دین متوسل می‌شود و به سنت آغازین صحابه پیامبر^(ص) مراجعه می‌کند. از سویی دیگر در میان مسلمانان سنی در مورد اینکه سلف صالح کیست اختلاف نظر وجود دارد و برخی آنان را شامل نسل اولیه همراهان پیامبر و برخی دامنه شمول را تا سه نسل بعد از پیامبر گسترش می‌دهند. (مظاوی الرشید، ۱۳۹۳: ۲۲) در حالی که سلفیه را می‌توان به چند شاخه تقسیم نمود:

۱. برخی ریشه سلفی‌گری را به آثار علمای قرون میانه باز می‌گردانند. که مدعی تفسیر ظاهری و تحت‌اللفظی متون دینی بودند به ویژه داعیه‌های اولیه بازگشت به قرآن و سنت نبی که با احمد بن حنبل، ابن تیمیه و شاگردانش مرتبط است. (همان)
۲. سلفی‌گری به منزله یک صفت، اصطلاحی مدرن است که سابقه آن به جنبش‌های اصلاح‌گرای قرون نوزدهم به ویژه جنبش‌های مرتبط با افکار محمد عبده و سید جمال الدین اسدآبادی بر می‌گردد.

با این تفکیک می‌توان فرق بین دو سلفی‌گری را به وضوح مشاهده نمود. محمد عبده و شاگردانش نوعی سلفی‌گری اصلاح طلبانه و مدرنیستی (نوع دوم) را تبلیغ می‌کردند در حالی که وهابیت جنبش سلفی متعصبانه، متحجرانه و در قالب تکفیر سایر مسلمانان با پالایش عمل دینی و اجرای شریعت (نوع اول) بود. سلفی‌گری مدرن حاصل مواجهه با غرب و حاصل تلاش برای پیشرفت بود. در قرن بیست و یکم سلفیان درباره تعریف سلف مباحث تندی با هم داشته‌اند.

یک. چالش‌های جریان‌های تکفیری برای جهان اسلام از منظر مقام رهبری

الف. چالش‌ها و آسیب‌های جریان‌های تکفیری در حوزه باورها و اعتقادات

در علت‌یابی چالش‌ها و آسیب‌های جریان‌های تکفیری در سطح باورها و اعتقادات، رگه‌هایی از افکار ابن تیمیه در گروه‌های تکفیری قابل شناسایی است. بیشتر محققانی که درباره گروه‌های تکفیری و نیز وهابیت مطالعه کرده‌اند متفق هستند که در جایگاه ریشه‌یابی افکار این گروه‌ها، هیچ‌کس به اندازه ابن تیمیه اهمیت ندارد. (علیرضا دانشیار، ۱۳۹۳: ۴۲۳). او نسبت به مخالفان فکری خود تعصب می‌ورزید. عقل را سبب ضلالت و گمراهی می‌دانست و فقط به ظواهر الفاظ قرآن و حدیث نبوی و فتاوی‌های صحابه اکتفا می‌کرد. (عباس فیروزجایی، ۱۳۸۲: ۲۳۵) از شخصیت‌های مهم تاریخی دیگری که بر این گروه‌ها تاثیر گذار است، می‌توان به «محمد بن عبدالوهاب» اشاره نمود که با مطالعه آثار ابن تیمیه، مباحث نظری او را به حیطة عمل درآورد: اکتفا نکردن به صرف دعوت، دست به شمشیر بردن به بهانه امر به معروف و مبارزه با بدعت، تخریب قبور و زیارت گاه‌ها، ... توسعه مصداق بدعت و شرک و مهمتر از همه، گسترش دامنه تکفیر مسلمانان و تشبیه آنان به کفار، جهال و مشرکان از شاخصه‌های مهم عقاید محمد بن عبدالوهاب محسوب می‌شود (همان: ۲۳۷ - ۲۳۸) برداشت نادرست از مفهوم «توحید»، ویژگی محوری تاثیرگذار بر رفتار و عملکرد وهابیت و نیز گروه‌های تکفیری می‌باشد که در توسعه مفهوم کفر و شرک تاثیر گذاشته است. وهابیت در تلقی درست از مفهوم «توحید» دچار خطا شده است و تفسیر نادرستی از توحید الوهی و توحید ربوبی ارائه می‌دهند. در کنار این مساله، تعصب و عدم قبول قول و نظر دیگران، باعث تشدید اقدامات ایشان شده و آنان را از

مسیر حق منحرف ساخته و تطبیق مصادیق توحید و شرک را برای آنها مشتبه ساخته است. در متون وهابیت هیچ واژه‌ای به اندازه «توحید» و «شرک» به کار نرفته است؛ توحید، موضوع محوری مذهب وهابیت است بگونه‌ای که محمدبن عبدالوهاب آن را همان دین اسلام و دین الله می‌شمرد (الیاسینی، ایمن، ۱۹۷۸: ۳۳). علمای وهابیت معتقدند که توسل به غیر خدا، زیارت قبور و نماز خواندن در مکانی که قبر پیش روی انسان باشد، مخالف توحید بوده و لازمه توحید آن است که به غیر از خدا توسل نشود و از غیر او استمداد نگردد حتی اگر پیامبر اسلام باشد؛ چرا که توسل، شفاعت و زیارت قبور از سنت پیامبر و سلف صالح نرسیده و قرآن نیز این عقیده را شرک می‌داند (حسین خَلَف، ۱۳۸۸: ۱۷۶). در نهایت «تکفیر مسلمانان» یکی از مهمترین اصول مذهبی وهابیت می‌باشد. برای روشن‌تر شدن نظر وهابی‌ها، به سخنانی از محمدبن عبدالوهاب اشاره می‌کنیم:

«کسانی که متوسل به غیر خدا می‌شوند، همگی کفار و مرتد از اسلام هستند، و هر کس که کفر آنان را انکار کند، یا بگوید که اعمالشان باطل است اما کفر نیست، خود حداقل فاسق است و شهادتش پذیرفته نیست و نمی‌توان پشت او نماز گزارد. در واقع دین اسلام جز با برائت از اینان و تکفیرشان صحیح نمی‌شود. انسان با ظلم از اسلام خارج می‌شود و به فرموده قرآن: انَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان/۱۳). این که به ما می‌گویند ما مسلمین را تکفیر می‌کنیم، سخن درستی نیست، زیرا ما جز مشرکین را تکفیر نکرده ایم...» (حسین خَلَف، ۱۳۸۸ق: ۸۶ - ۸۸)

در جای دیگری چنین می‌گوید:

«مشرکین زمان ما، گمراه‌تر از کفار زمان حضرت رسول (ص) هستند، به دو دلیل: اول آنکه: کفار، انبیا و ملائکه را در زمان راحتی و آسایش می‌خواندند، اما در هنگام شدائد دین خود را برای خدا خالص می‌نمودند. دوم آنکه: مشرکین زمان ما کسانی را می‌خوانند که هم‌مطراز عیسی و ملائکه نیستند. اکنون زمین از شرک اکبر که همان عبادت بت هاست پر شده. آمدن کنار قبر نبی، آمدن کنار قبر صحابی مانند طلحه و زبیر، رفتن کنار قبر فردی صالح، خواندن آنها هنگام سختی و نذر برای آنها همه از جنس پرستش بت هاست که انسان را از اسلام خارج می‌کند... پس براستی که اینان مرتد بوده و خون و مالشان حلال است». (سعید، ۱۳۸۴ق: ۴۶ - ۴۸).

بنابر مطالب پیش گفته، «جریان‌های تکفیری» بخش عمده مبانی فکری و عقیدتی خود را از وهابیت تندرو و ملهم از افکار ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب دریافت کرده اند. مساله توحید و فهم ناقص جریان‌های تکفیری از آن، به صورت جدی در دیدگاه مقام رهبری به عنوان یکی از چالش‌ها و آسیب‌های جریان تکفیری مورد توجه قرار گرفته است. ایشان مساله تاریخی «تخریب قبور ائمه بقیع» را در راستای ترویج و توسعه تکفیر سایر مسلمانان مورد اشاره قرار داده و جریان‌های تکفیری کنونی را از نظر عقیدتی دنباله رو جریان‌های وهابی و تکفیری گذشته می‌دانند:

«تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه‌ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است، اینها همان کسانی هستند که گذشتگانشان قبور ائمه^(ع) را در بقیع ویران کردند». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶)

رهبری فکر، عقیده و روح حاکم بر این جریان‌ها را با صفاتی همچون «باطل»، «پلید» و «بداندیش» معرفی می‌کنند، عمق کج اندیشی و خلاف عقل و مروت این گروه‌ها تاجایی پیش می‌رود که هتک حرمت به ساحت بزرگان و مکان‌های مقدس را جزء وظایف دینی می‌شمارند و از منظر رهبری، اگر جرات و توانایی داشتند به قبر پیامبر^(ص) هم رحم نمی‌کردند:

«... آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره‌ی هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرأت میکردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران میکردند، با خاک یکسان میکردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه‌ی پلیدی، چه انسانهای بداندیشی، احترام به بزرگان را اینجوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که اینها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه اینها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه اینها بسیج شدند». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶)

عدم تعمق و به کار نگرفتن خرد و عقل، زمانی عمق فاجعه را زیاد می‌کند که این گروه‌ها ابزار دست سرویس‌های جاسوسی انگلیس و آمریکا می‌شوند و به تعبیر رهبری «اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک و کفر نمی‌پندارند»: «اینها به

عنوان اینکه این کارها پرستش است، این اقدامهای خبیث را میکنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی، شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاستهای اینتلیجنس انگلیس و سی. آی. ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غمدار کند، آزرده کند. اینها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمیدانند، احترام به بزرگان را شرک میدانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است...» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶)

دامنه تاثیر گذاری افکار و اندیشه هایی که از عربستان سعودی و به خصوص از عقاید وهابیت نشأت گرفته اینک از مرزهای کشورهای اسلامی همچون پاکستان، افغانستان، چین، جاکارتا، سوریه و غیره فراتر رفته است. نوع شدید جریان‌های تکفیری با اعمال خشونت‌آمیز و افکار و عقاید پالایش نشده در کشور سوریه دست به جنایات هولناک زده و در عراق به اعمال تروریستی روی آورده‌اند. به عنوان مثال جریانی مشابه، در مصر با عنوان «التکفیر و الهجره» با رهبری «شکری مصطفی» شکل گرفته که عقاید خود را تا زمانی که بتوانند قدرت را در دست بگیرند پنهان می‌کردند و از سویی دیگر به تکفیر جامعه می‌پرداختند تا بتوانند به نبرد و مبارزه با آن بپردازند. (ژیل کپل، ۱۳۸۲، ۸۲ - ۸۳).^۱ مهمترین خطر افکار گروه‌هایی نظیر التفکیر و الهجره و نیز جریان تکفیری در دوران کنونی این است که مشکل جوامع اسلامی را «دشمن خارجی» از یهود نمی‌دانند بلکه با کافر و جاهل دانستن جوامع مسلمین با آن به مبارزه بر می‌خیزند. به همین خاطر وقتی قضات نظامی در وقت محاکمه از شکری مصطفی درباره اینکه اگر «نیروی یهود» به مصر حمله کند، شما چه کار می‌کنید؟ شکری مصطفی در پاسخ گفت:

«اگر یهودیان یا هرکس دیگری به مصر حمله کنند، جنبش ما نباید در صفوف ارتش مصر با آنها به جنگ بپردازد بلکه برعکس باید به محل امن بگریزد». (ژیل کپل: ۹۳)

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد عملکرد شکری مصطفی ر. ک به ژیل کپل صفحات: ۸۷ - ۱۰۱

این در حالی است که این گروه‌ها به راحتی در مواجهه با مسلمانان، آنان را به بهانه‌های واهی به قتل می‌رسانند. بنابراین، یکی از چالش‌های بنیادین جریان‌های تکفیری در جهان اسلام از دیدگاه مقام رهبری در سطح عقاید و باورها می‌باشد. عقاید و باورهایی که پایه گذار رفتار خشن گروه‌ها و جریان‌های تکفیری شده است.

ب. چالش‌های جریان‌های تکفیری در حوزه اخلاق

چالش «بی اخلاقی» و یا به تعبیری «عوامل ضد اخلاقی» رشد یافته در این جریان‌ها، در نحوه عملکرد این گروه‌ها تاثیر گذار است. می‌توان گفت در کنار چالش بی اخلاقی، چالش‌ها و عوامل منفی فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و روانی، به شدت بر این جریان‌ها تاثیر گذاشته است و عاملان این جریان‌ها را تبدیل به افرادی خطرناک کرده است. برای مثال می‌توان به روحیه متعصب و بیزاری شدید فرد تکفیری اشاره نمود. بیزاری فرد تکفیری منجر به دور شدن از جامعه و پیوستن او به سازمان‌ها و گروه‌های مبارز می‌شود. از سویی دیگر، کمال ناپهنگام و دگماتیسم، یکی از مشکلات دیگری است که از نظر روانی فرد تکفیری به آن گرفتار است و در مراحل نخستین، سخت‌گیری شدید در عقاید و خودداری از پذیرش ارزش‌های جدید در فرد تکفیری دیده می‌شود. در کنار این موارد، نوعی احساس حقارت در میان گروه‌های تکفیری مشاهده می‌شود که نتیجه مستقیم بیزاری و ناتوانی آنها در یافتن جایگاه اجتماعی در جامعه است. سوء ظن شدید نسبت به مسلمانان و دیدگاه توطئه‌آمیز نیز بخشی از مشکلات و آسیب‌های اخلاقی فرد متعصب و تکفیری را تشکیل می‌دهد و مسلمانان را دارای مقاصد بدخواهانه می‌دانند (هرایر دکمچیان، ۱۳۹۰، ۶۹ - ۷۱). از دیدگاه رهبر انقلاب، چالش‌های جریان‌های تکفیری در سطح اخلاقی - فردی که به نوعی با مطالب پیش گفته، همپوشانی دارد؛ عبارتند از:

الف. جهالت و ناآگاهی در کنار سطحی نگری و «خبث باطن»، از مهمترین عوامل گسترش پدیده تکفیر است. تکفیر و ناآگاهی در کنار تحجر و نارضایتی و انزجار از سایر مسلمانان و «خبثت درونی» به ویژه اگر به ناآگاهی و جهل مرکب آمیخته باشد و شخص جاهل باورش این باشد که داناست. رهبری در این زمینه، به توصیف گروه‌های تکفیری پرداخته اند:

«این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است، اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهمترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

ج. بدگمانی به دیگر مسلمانان. تکفیری‌ها بیشتر با دید تیره و بدگمانی به دیگران می‌نگرند. دیگران در نگاه آنان هیچ حقی ندارند و هیچ نقطه روشن و انگیزه هدایتی در ایشان وجود ندارد. مقام رهبری در توصیف این گروه‌ها آن را دارای «فکر باطل»، «روحیه‌ی پلید» و «انسانهای بدان‌دیش» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶) معرفی کرد.

د. بدفهمی و کج فهمی. مقصود از بدفهمی یا کج فهمی آن است که در وهله نخست شخص، ناتوان از درک متون دینی یا عرفی باشد که قطعاً از درک ابعاد و مقاصد آنها هم ناتوان خواهد بود. فهم نادرست عوامل زیر را در پی خواهد داشت: ۱. سست اندیشی و نگاه سطحی به دین ۲. نداشتن آگاهی کامل از دین و نقش آن در زندگی ۳. نداشتن معیارهای فقهی درست ۴. نداشتن تسلط کافی بر قواعد و معیارهای تفسیری - حدیثی و نیز فقهی - اصولی و نیز عدم تشخیص و عدم شناخت شیوه درست استنباط و عمل. از ویژگی گروه‌های تکفیری این است که فاقد دیدگاهی کامل درباره اسلام از نگاه عقیدتی و قانون گذاری و درباره نقش اسلام در زندگی و موقعیت انسان در جهان بینی هستند. در این باره رهبری می‌فرمایند:

«... علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب و ابسته‌ی به این، یا فلان، یا آن فرقه‌ی اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند...» (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۷).

ج. چالش‌های جریان‌های تکفیری در عملکرد و رفتار:

از مهمترین حوزه‌های چالش جریان‌های تکفیری، حوزه رفتاری است. چالش رفتاری، به شدت متأثر از عقیده ناصواب و نیز بی اخلاقی این گروه‌هاست. مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری در رفتار ناهنجار و دور از شان انسانی این گروه‌ها در دو جنبه فردی و جمعی قابل ذکر است:

الف. در جنبه چالش‌های فردی مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری را می‌توان ستیزه جویی، خشونت، فساد انگیزی، ترور و در نهایت جنایت و خونریزی، (بیانات رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۹) نام برد. علاوه بر چالش‌های فوق، جریان‌های تکفیری دارای افراط‌گرایی دینی و سخت‌گیری در اجرای حدود و احکام و نیز ناشکیبایی در تحمل عقاید سایر مسلمانان هستند که می‌توان ویژگی‌های چالشی دیگری را از نظر فردی مثل نداشتن معیار درست، لجاجت، سخت‌گیری بر خویشان و دیگران و حماقت و شتابزدگی را به موارد فوق اضافه نمود. از سویی دیگر، به دلیل اینکه عقاید غیر خودی و مخالف با افکار خود را «گمراه کننده» و «کفر آمیز» می‌دانند با سایر مسلمانان رفتاری ستیزه جویانه داشته و آنها را تکفیر می‌کنند. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶ و ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ و ۱۳۹۰/۷/۲۰) در این باره رهبری معتقدند که تحجر و خشونت و ترور این جریان‌ها با سکوت مجامع بین‌المللی همراه است:

«حمایت صریح از تروریسم، خب ملاحظه میکنید در همین قضایای منطقه، کسانی هستند که جگر طرف را از سینه‌اش درمی‌آورند و جلوی دوربین تلویزیون‌ها گاز می‌زنند، قدرتهای اروپایی هم می‌نشینند در اروپا، منتها احتیاط میکنند و نمی‌گویند ما به او کمک میکنیم، میگویند ما به این جبهه‌ی معارض کمک میکنیم؛ این جوری است دیگر؛ یعنی صریح از تروریسم، آن هم تروریسم خشن، وحشی، سُبُع، اینها حمایت میکنند». (بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

ب. در جنبه چالش‌های اجتماعی (امت اسلامی و در جامعه بین‌المللی) مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری عبارتند از:

الف. مخالفت با عقلانیت و نوگرایی؛ جریان‌ها تکفیری در میان ملل مسلمان و سایر ملل، جریان‌هایی کاملاً مخالف با عقلانیت و نوگرایی و همراه با خشونت طلبی و جنایتکاری شناخته می‌شوند. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

ب. جریان‌های تکفیری، ایجاد کننده تفرقه میان مسلمانان می‌باشند. (همان) رهبری با اشاره به رفتار چالش برانگیز این گروه‌ها در اختلاف افکنی بین مسلمین اشاره می‌کنند که اختلاف در ذات مذاهب همیشه وجود داشته و این مشکلی به وجود نمی‌آورد. مشکل زمانی آغاز

می‌شود که اختلاف عقیدتی به اختلاف روحی، رفتاری و به درگیری و ستیزه‌گری منجر شود که جریان‌های تکفیری کنونی به شدت در حال اختلاف پراکنی و ستیزه جویی و فسادگری در امت اسلامی هستند (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰).

از سویی دیگر، رهبری حمایت مالی برخی از کشورها در «تهدید»، «تکفیر»، «ترور و بمب‌گذاری» و «ریختن خون مسلمانان» را در راستای بر افروختن کینه‌ها و اختلاف‌ها بر می‌شمارند. که هدف آنان از بین بردن یکپارچگی امت اسلامی است در حالی که تفاوت‌های نظری در فقه، تاریخ و حدیث، طبیعی و اجتناب ناپذیر است. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۹) از اقدامات تکفیری در راستای اختلاف افکنی بین مسلمین می‌توان به مواردی اشاره کرد: معطل گذاشتن جوامع اسلامی (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)، ترویج افراط‌گری انحرافی و تکفیر به نام اسلام و به شریعت (همان)، خشنودی دشمنان اسلام (همان) و نیز خطر بزرگ‌تر جریان‌های تکفیری، تلاش برای بدبینی مسلمین (شیعه و اهل سنت) نسبت به یکدیگر. در این باره رهبری معتقدند:

«حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعالند، خطر بزرگشان این نیست که بی‌گناهان را میکشند، آن هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین میکنند؛ این خیلی خطر بزرگی است؛ جلوی این بدبینی را باید بگیریم». (بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

ج. ناپود کردن تمدن و فرهنگ (اسلامی و غیر اسلامی) از دیگر چالش‌های رفتاری این گروه‌ها محسوب می‌شود که از منظر رهبری مورد بررسی قرار گرفته است:

«(سلفی‌گری) ... اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

از اینرو، رهبری معتقدند که جریان سلفی - تکفیری منجر و باعث ترویج سکولاریزم می‌شوند به خاطر اینکه هیچ عقل سلیمی تعصب، تحجر و خشونت را، چه در داخل امت اسلامی و چه در سایر ملل و ادیان، بر نمی‌تابد. الگوی «اسلام تکفیری» اندیشه‌های ناب اسلامی را با

خطر مواجه ساخته است چرا که چهره‌ای غیر واقعی و کاذب و دروغین و زشت از اسلام به تصویر می‌کشد.

د. جریان تکفیری، تقویت کننده دشمنان اسلام می‌باشند، این جریان‌ها به شدت از سوی سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی تقویت می‌شوند: «سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده‌نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می‌دانند...». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۸)

رهبری به تبیین و تشریح جریان‌های تکفیری که در ظاهر و با پوشش عناوین اسلامی از سوی جریان تبلیغاتی غربی تبلیغ می‌شوند؛ این گروه‌ها را، مطلوب آمریکا و انگلیس دانسته و به تعارض رفتار و عملکرد این جریان‌ها با مشی و رفتار اسلامی - قرآنی اشاره می‌کنند، جایی که جریان‌های تکفیری دست‌آستی به سوی آمریکا دراز می‌کنند و رژیم صهیونیستی را برنمی‌تابند در حالی در درون امت اسلامی جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی راه می‌اندازند به تعبیر رهبری «اشداء علی المومنین و رحماء مع کفار» هستند که بر عکس اندیشه ناب قرآنی است (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). رهبری اشاره می‌کنند که بدون شک جریانی که مسلمانان را به مسلمان و کافر تقسیم کند و مسلمان‌ها را به جان یکدیگر بیاندازد، برنامه ریزی دستگاه‌های جاسوسی دولت‌های استکباری است:

«... امروز در دنیا، تحریکات ایمانی و عقیدتی برای به جان هم انداختن مسلمانان، به‌وسیله‌ی دست‌های استکباری انجام می‌گیرد. یک عده‌ای، عده‌ای را تکفیر میکنند؛ عده‌ای علیه عده‌ی دیگری شمشیر میکشند؛ برادران به جای همکاری با یکدیگر و گذاشتن دست در دست یکدیگر، علیه برادران دست در دست دشمنان می‌گذارند! جنگ شیعه و سنی به راه می‌اندازند و تحریکات قومی و طائفی را لحظه به لحظه افزایش میدهند...» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ ۱۳۹۳/۳/۶)

از اینرو، دشمنان اسلام به خاطر اینکه موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی به خطر نیافتد، به حمایت و راه اندازی جریان‌های تکفیری‌ها پرداخته‌اند که تمامی مسلمین در تیر رس این جریان‌ها قرار دارند. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰)

دو. راهکارهای برون رفت جهان اسلام از چالش‌ها و آسیب‌های جریان‌های تکفیری

رهبری، راهکارهایی را برای برون رفت از چالش‌های جریان‌های تکفیری ارائه داده‌اند که مهمترین آن، در دو عرصه ظهور و بروز داشته است که عبارتند از: الف. راهکارهای فکری - فرهنگی ب. راهکارهای سیاسی - اجتماعی

الف. راهکارهای فکری - فرهنگی

یک. تقویت تقریب مذاهب اسلامی

به منظور برخورد با جریان‌های تکفیری «تقریب مذاهب» کاربردی‌ترین روش در جهت رفع سوء تفاهات و سوء برداشت‌هاست. فراهم سازی امکان گفتگو و نزدیک سازی آراء و نظرات برای حل اختلاف در آراء و نظرات فقهی، کلامی و غیره و نیز سوء برداشت‌ها، از راهکارهای مهم در عرصه تقریب مذاهب محسوب می‌شود. در این زمینه مقام رهبری می‌فرماید:

«ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمد الله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آن‌ها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است...» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۷۰).

تقریب مذاهب، به فرق اسلامی کمک می‌کند تا پیام خود را انتشار داده و به هم اندیشی با یکدیگر برای انتقال اندیشه و تبادل نظر در مسائل اجتماعی، فقهی، عقیدتی و سیاسی مبادرت نمایند. تقریب مذاهب؛ موجب می‌شود که مذاهب اسلامی به عنوان یک نظام گفتاری، با بهره‌گیری از نمادهای زبانی، موجب اتصال حلقه‌های به هم پیوسته و تنظیم روند حرکت اندیشه اسلامی شوند و وسیله‌ای ارتباطی برای شکل‌گیری و تحول فکری و گستره‌ای برای رشد و پختگی و منطقی شدن جهان اسلام، قلمداد می‌گردد. تقریب مذاهب، موجب وارد شدن نخبگان فکری جهان اسلام به یک متن اسلامی می‌گردد به نوعی که به رغم تفاوت‌های مذهبی، نوعی رابطه بین متنی، بین گفتمانی و بین ذهنی میان مسلمانان برقرار می‌شود که زمینه‌ای برای تعامل افکار و آشنا سازی اندیشه‌ها و بنیان‌های فکری و ارزشی به وجود می‌آورد، در عین حال موجب شناخت رویکردها و بنیان‌های ارزشی سایر مذاهب و فرهنگ‌ها

می‌شود و باعث اهتمام به پدیده‌هایی همچون مشارکت، تعاون، صلح، همکاری، مردم‌سالاری، باور مداری، اعتقادگرایی، اخلاق محوری و غیره می‌گردد و دستیابی به وفاق جمعی و تلاش برای وصول به اجماع نظر بر سر اصول و قواعد عمل جمعی و عام در سطح جهان اسلام را همواری سازد (محمدرضا دهشیری، ، ۱۳۹۰، ۲۸۵ - ۲۷۸).

از راهکارهای پیشنهادی مقام رهبری در ارتباط با تقریب مذاهب و گفتگو، در راستای مقابله با خطر جریان‌های تکفیری، توجه به فریضه الهی - سیاسی حج است. از منظر رهبری، کنگره عظیم حج می‌تواند به کاهش فاصله‌ها و بیگانه‌پنداری مسلمانان بینجامد و نیز در تبلور معنای اخوت و برداری موثر واقع شده و منجر به دفع و از بین رفتن جریان‌های تکفیری شود. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰)

موضوع دیگری که رهبری در امتداد فریضه حج و نتایج آن، در راستای عدم رشد و نمو جریان‌های تکفیری یادآوری می‌کنند، «تبادل فرهنگ اسلامی ناب میان مسلمانان» است. در این زمینه ایشان معتقدند:

«یک نکته‌ی اساسی دیگر که باز نقطه‌ی قوت حج است و مایه‌ی اقتدار حج است، این است که فرهنگ اسلامی ناب میان مسلمانان تبادل پیدا کند، تجربیات اسلامی میان مسلمانها تبادل پیدا کند». (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰) با تبادل فرهنگ ناب اسلامی میان مسلمانان جریان‌های تکفیری مجال ظهور و بروز نخواهند یافت.

دو. تقویت تفاهم و گفتگو و پرهیز از اختلاف افکنی و نمودهای تشدید آن از جمله توهین و تخریب سایر مذاهب اسلامی

رهبر انقلاب در کنار تقویت تقریب مذاهب اسلامی برای مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری، راهکارهای دیگری را در راستای «تفاهم» و «گفتگو» پیشنهاد می‌دهند و همواره توصیه و تاکید به دوری و پرهیز از اختلاف افکنی‌های فکری - عقیدتی می‌کنند و یادآور می‌شوند که نمودهای اختلاف افکنی از جمله توهین و تخریب سایر مذاهب باید متوقف شود و نیز باید بین مذاهب اسلامی از جمله شیعه و اهل سنت به نوعی تفاهم دست یافت:

«... علمای شیعه و سنی با هم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، با هم حرف بزنند. ما کارهای مشترکی داریم... یک امور مشترکی وجود دارد؛ یک دردهای مشترکی هست که درمانهای مشترکی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند» (بیانات رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

رهبری به برخی از مصادیق «شیعه ستیزی» و نیز «سنی ستیزی» در راستای اختلاف‌انگیزی بین مسلمین اشاره کرده و به مسلمانان توصیه می‌کند که فریب روش‌های دشمنان اسلام را نخورند:

«در بعضی از کشورهای اسلامی مثل ریگ پول میریزند برای اینکه در بین سنی‌ها اجتماع ضد شیعه درست کنند. این از این طرف؛ از آن طرف هم به یک گوینده‌ی به اصطلاح شیعی پول میدهند که در تلویزیون، به نام شیعه، ام‌المؤمنین عایشه را متهم کند، قذف کند، اهانت کند. روشها اینهاست. شما در مقابل این روشها چه کار میکنید؟ سنی چه کار میکنی؟ شیعه چه کار میکنی؟ از کارهای اینها گول نخوریم. اختلاف برای آنها بیشترین و بزرگترین نعمت است» (بیانات رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

راهکار رهبری برای مقابله با ترفند دشمنان اسلام در خاموش کردن آتش نزاع‌های مذهبی، «بالا بردن آگاهی و بینش» اسلامی و به کارگیری عقل و خرد در این زمینه است که این مهم از طریق نویسندگان، روشنفکران، نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی قابلیت بروز دارد. (بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶)

سه. بازگشت به قرآن و فهم آن با میزان عقل و خرد:

مقام معظم رهبری به یکی از راهکارهای کلیدی در حل مسائل جهان اسلام و برون رفت از مشکلات و چالش‌هایی نظیر جریان‌های تکفیری اشاره می‌کند:

«ما مسلمانها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد خودمان و با راهنمایی اندیشه‌ی بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبراسلام و این پیامها برسیم. وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم، که قرآن کریم فرمود: *وَ قَالَ الرَّسُولُ يَرْبَّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ*

مَهجوراً؛ وقتی قرآن را مهجور کردیم، به مفاهیم قرآن درست نگاه نکردیم، مجموعه‌ی مفاهیم قرآنی را که یک منظومه‌ی کامل برای زندگی انسان است، درست ندیدیم، آن وقت لغزش پیدا میکنیم، و نیروی خرد ما هم نمیتواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند». (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ ۱۳۹۳/۳/۶)

یکی از راهکارها در زمینه مقابله با تفرقه‌انگیزی، دقت و بازگشت به قرآن است که از منظر رهبری «دنیای اسلام تشنه حقایق قرآن است». و قرآن «راه سلامت»، «راه عزت» و «امنیت روانی» و «سبک زندگی درست» را به انسانها یاد می‌دهد. (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، مورخ ۹۲/۰۳/۱۸) رهبری اشاره می‌کنند که قرآن بنا به آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» (آل عمران، آیه ۱۰۳) احاد مسلمانان را به وحدت دعوت کرده و از سویی نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است که اختلاف میان مسلمانان را پدید می‌آورد. (همان). در زمینه اختلاف میان مسلمانان که خلاف منطق قرآنی است می‌فرمایند:

«یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند... اختلاف میان مسلمانان یک عده، یک عده‌ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار میخواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم...» (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۸)

چهار. لزوم هوشیاری نخبگان و بزرگان علمی - فرهنگی در آگاه‌سازی امت اسلامی:

از سویی دیگر، مقام معظم رهبری برای برون رفت از مشکلات جریان‌های تکفیری به بزرگان علمی، روشنفکران و بزرگان سیاسی در جهان اسلام توصیه می‌کنند که به «آگاه‌سازی» و محکوم کردن جریان‌های تکفیری بپردازند:

«اینها اگر چنانچه به وسیله‌ی مسلمانها به طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه‌ی خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه‌ها به اینجاها منحصر نمی‌ماند؛ بلای بی‌پایان به جان جامعه‌ی اسلامی می‌افتد و روزه‌روز این آتش توسعه پیدا میکند. باید جلوی این فتنه‌ها را بگیرند؛ چه از طرق سیاسی، چه از طرق فتوای دینی، چه

از طرق مقاله‌های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا». (بیانات رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶)

از منظر رهبری جریان‌های تکفیری برای جهان اسلام به مثابه سم هستند که باید از بدنه جهان اسلام خارج شوند:

«امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند. خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد...» (بیانات رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

ب. راهکارهای سیاسی - اجتماعی

یک. تقویت وحدت و همگرایی

مسئله وحدت اسلامی یکی از راهکارهای اساسی در برخورد با بسیاری از مشکلات و چالش‌های جهان اسلام است که به صورت ویژه‌ای از منظر رهبری بررسی شده است. ادبیات مقدس اسلام (قرآن و سنت)، مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می‌نماید و از تجزیه و تفرقه هراسانیده و پرهیز می‌دارد. (محمد حسین امیردوش، ۱۳۸۴، ۱۰) توجه به ادبیات همگرایانه از آن رو اهمیت دارد که جریان‌ها و گروه‌های تکفیری دقیقاً خلاف رویکرد قرآن و سنت بر تفرقه و ناهم‌سازگری و گسست امت اسلامی تمرکز می‌کنند. از اینرو، رهبری با درک ضرورت «اتحاد و اتفاق بین مسلمین»، وحدت را «فریضه فوری» برای امت اسلامی می‌شمارند:

«امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می‌آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه‌ی اختلافات مذهبی، چه فجایی به راه می‌اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد...» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۸).

از سویی دیگر، رهبری توصیه می‌کنند که باید از اختلافات جزئی سلیقه‌ای و عقیده‌ای عبور و بنابر نص قرآنی امت واحده تشکیل داد:

«نیاز مهم دیگر دنیای اسلام اتحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای،

اختلافات عقیدتی عبور کرد و امت واحد تشکیل داد: إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ ۱۳۹۳/۳/۶)

منظور رهبری از وحدت «تکیه بر مشترکات» می‌باشد و تاکید می‌کنند که مشترکات مسلمان از اختلافات آنها، بیشتر است:

«وحدت به معنای تکیه‌ی بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

دو. آگاه‌سازی «نخبگان» (نخبگان سیاسی، علمی، دینی) و کارکرد و نقش آنان در کاستن اختلافات

رهبری تکلیف آگاهی‌سازی را متوجه سه گروه نخبه اجتماعی در جهان اسلام می‌داند:

۱. نخبگان سیاسی ۲. نخبگان علمی - دانشگاهی ۳. نخبگان دینی. و معتقدند:

«تکلیف عمده هم در این مورد بر دوش نخبگان است؛ چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی و چه نخبگان دینی». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

در مورد نخبگان دینی معتقدند که:

«علمای دنیای اسلام مردم را از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برحذر بدارند». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

در مورد نخبگان علمی دانشگاهی معتقدند که:

«دانشمندان دانشگاهی، دانشجویان را توجیه کنند و به آنها تفهیم کنند که امروز مهم‌ترین مسئله در دنیای اسلام وحدت است. اتحاد به سمت هدفها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار مردم‌سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی؛ اسلامی که دعوت به آزادی میکند، اسلامی که انسانها را دعوت به عزت و شرف میکند؛ این امروز تکلیف است، این وظیفه است». (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

مقام رهبری در راستای راهکارهای پیشنهادی برای تحقق وحدت و پرهیز از تفرقه، تکلیفی را که متوجه نخبگان سیاسی است را چنین می‌شمارند:

نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آنها با تکیه‌ی به مردم و آحاد ملت‌ها است، نه با تکیه‌ی به بیگانگان، نه با تکیه‌ی به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمنند...» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

رهبر انقلاب، در راستای راهکارهای مقابله با جریان‌های تکفیری، به مسئولین کشورها برای ارائه راهکارهای عملی توصیه کرده و در هر فرصتی مشکل و آسیب ناشی از جریان‌های تکفیری را گوشزد می‌کند. برای نمونه می‌توان به جریان سفر سلطان قابوس و نخست وزیر پاکستان نواز شریف، اشاره نمود که راهکارهای مقابله با جریان‌های تکفیری و خطر آنان در کنار سایر مسایل مورد بررسی قرار گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با نواز شریف نخست وزیر پاکستان گروه‌های تکفیری را خطری برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی دانستند. اگر با گروه‌های تکفیری مقابله نشود، آنها صدمات و ضربات بیشتری به دنیای اسلام خواهند زد. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۲) رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با سلطان قابوس پادشاه عمان نیز یکی از مسائل خطرناک در منطقه را دخالت‌دادن مسائل دینی، فرقه‌ای و مذهبی در اختلاف‌های سیاسی کشورها دانستند و افزودند: متأسفانه با حمایت برخی کشورهای منطقه، یک گروه تکفیری شکل گرفته که با همه‌ی گروه‌های مسلمان درگیر است، اما حامیان این جریان باید بدانند که این آتش، دامان آنها را نیز خواهد گرفت. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۶/۴).

از اینرو، یکی از راهکارهای سیاسی که از منظر رهبری انقلاب، مورد توجه قرار گرفته است توصیه به سران کشورها در راستای مقابله با عوامل مختل کننده وحدت اسلامی می‌باشد که جریان‌های تکفیری نمونه‌ای از آن است. در کنار توصیه به سران و نخبگان سیاسی، رهبری عموم مسلمانان اعم از شیعه و سنی را خطاب قرار داده و به آنان نیز توصیه می‌نمایند که با عوامل مختل کننده وحدت مقابله کنند:

«مسلمانها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضدّ وحدت مقابله بکنند؛ این یک تکلیف بزرگ برای همه‌ی ما است؛ هم شیعه باید این را قبول کند، هم سنی باید قبول کند، هم شعبه‌های گوناگونی که در میان شیعیان و در میان سنی‌ها وجود دارد این را باید بپذیرند.»

(بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

سه. دشمن شناسی

«دشمن شناسی» یکی از شاخصه‌های اصلی و جزء کانونی‌ترین و اساسی‌ترین شناخت‌ها برای جهان اسلام و مسلمانان، محسوب می‌شود که در راس شناخت‌ها قرار دارد و برای مقابله با جریان‌های تکفیری باید به شناسایی دشمن حقیقی مسلمانان پرداخت:

«... دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه‌ی دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه میزند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی میکند، دچار ضعف میکند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است». (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ ۱۳۹۳/۳/۶).

رهبر انقلاب اعتقاد به خدای واحد و قرآن، اعتقاد به پیامبر^(ص) و کعبه و قبله واحد را شاخصه امت اسلامی و در مقابل، امت اسلامی را دارای «دشمن واحد» می‌داند و این سوال را مطرح می‌کنند که آیا داشتن مشترکات واحد برای اتحاد دنیای اسلام کافی نیست:

«اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه‌ی واحد و قبله‌ی واحد، در مقابل داشتن جبهه‌ی واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتحاد دنیای اسلام؟ چرا عده‌ای نمی‌فهمند؟ چرا عده‌ای این حقایق روشن را درک نمی‌کنند؟» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، مورخ ۱۳۹۳/۳/۶)

رهبر انقلاب به مساله دشمنی آشکار کشورهای غربی علیه اسلام و مسلمانان اشاره کرده و راهکار و تکلیف مسلمانان را در این زمینه روشن ساخته‌اند. رهبری معتقدند که مسلمانان باید به «عناصر قدرت خودشان» برگردند که مهمترین عامل اقتدار «اتحاد و اتفاق» است:

«امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته‌اند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در

چالش‌های جریان‌های تکفیری و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری ۹۷

درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزبه‌روز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت‌های مسلمان درس است.» (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

راهکار دیگری که رهبر انقلاب در در راستای شناخت دشمن و طرد آن مطرح میکنند، مبارزه با تبلیغات دروغین دشمنان علیه اسلام و نیز مبارزه با عواملی است که از سوی دشمنان اسلام برای تخریب وحدت اسلامی به کار می‌رود. رهبری به مساله تبلیغ در راستای زشت جلوه دادن تصویر دنیای اسلام و نیز غیر انسانی جلوه دادن آن، با اعمال و اقدامات جریان‌ها و گروه‌های تکفیری اشاره می‌کنند که علاوه بر ایجاد اختلاف بین مسلمین، تلاش دارند اعمال و اقدامات جنایت کارانه گروه‌های تکفیری را به همه مسلمانان تعمیم دهند. (بیانات رهبری، مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

نتیجه‌گیری

جهان اسلام با مساله جریان‌های تکفیری بصورت جدی روبروست که برای برون رفت از آنها، ابتدا باید به شناسایی موانع و چالش‌ها و بیماری‌هایی مبادرت کند که گروه‌های تکفیری را در سه حوزه اعتقادات، عرصه اخلاق و عرصه رفتار، آلوده کرده است. در حوزه چالش‌های اعتقادی، جریان‌های تکفیری، با درک ناقص از مفاهیمی مانند «توحید» و «شُرک» و سایر مفاهیم دینی، به تکفیر و رد عقاید سایر مسلمانان می‌پردازند. در حوزه چالش‌های اخلاقی، نوعی اخلاق ناپه‌ن‌جار و مسموم از سوی جریان‌های تکفیری پدیدار شده که مهمترین خصوصیت آن، «جهالت» و بی‌خبری می‌باشد. در واقع نوعی خباثت درونی است که منجر به دوری از حقیقت و بی‌تقوایی و فساد انگیزی شده که ناگزیر به تباهی، رذالت و سقوط می‌انجامد. در حوزه چالش‌های رفتاری، به ویژگی‌هایی نظیر ستیزه‌جویی، خشونت، ترور، جنایت و خونریزی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، نابود کننده تمدن و فرهنگ (اسلامی و غیر اسلامی) و نیز تقویت کننده دشمنان اسلام می‌توان اشاره کرد که از جنبه‌های اخلاقی و عقیدتی متأثر است. از منظر رهبری، جهان اسلام برای برون رفت از چالش

جریان‌های تکفیری باید به تقویت عرصه‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری پردازد. این مهم، در دو عرصه فکری - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی ارائه شده است. در عرصه راهکارهای فکری - فرهنگی می‌توان به تقویت گفتگو و تقریب مذاهب اسلامی، تفاهم بر مشترکات میان شیعه و اهل سنت، پرهیز از اختلاف افکنی و نمودهای تشدید آن، از جمله پرهیز از توهین و تخریب سایر مذاهب اسلامی و بازگشت به مسیر فهم دقیق قرآن و به کارگیری راهکارهای قرآنی در امت اسلامی اشاره نمود. از جمله راهکارهای سیاسی - اجتماعی که در طرد و ریشه کنی جریان‌های تکفیری موثر است، می‌توان به تقویت همگرایی و وحدت میان مسلمین و لزوم شناخت و طرد و نفی دسیسه‌های شیطانی دشمن و فریب نخوردن در مقابل اختلاف افکنی و راه اندازی جریان‌های تکفیری و نیز آگاه‌سازی نخبگانی در این زمینه، اشاره نمود. باید با شناخت نقاط آسیب‌ها و ضعف‌ها، رویکردها و راهکارهای همسازگرایانه و همگراییانه در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی شکل بگیرد تا در اثر شکل‌گیری این رویکردهای جدید بتوان به لحاظ عقیده‌ای، اخلاقی و رفتاری با پدیده جریان‌های تکفیری مبارزه کرد و ریشه آن را در جهان اسلام خشکاند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیم. ی. کاراوان، (۱۳۸۸)، تکفیر، از دائرة المعارف جهان نوین اسلام ج ۲ (پ - ز)، ویراستار، جان‌ال، اسپوزیتو، ترجمه و تحقیق حسن طارمی، محمددشتی و مهدی دشتی، تهران: نشر کتاب مرجع، نشر کنگره، تهران.
۳. امیردوش، محمد حسین، (۱۳۸۴)، تاملی بر مسأله وحدت اسلامی از دیرباز تاکنون با تکیه بر جنبش اتحاد اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
۵. بیانات رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۹.
۶. بیانات رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
۷. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخه: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

۸. بیانات رهبری در دیدار سلطان قابوس - پادشاه عمان - با رهبر انقلاب ۱۳۹۲/۶/۴.
۹. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۲/۶/۲۰.
۱۰. بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۶.
۱۱. بیانات رهبری مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۱۲. بیانات رهبری مورخه ۱۳۹۳/۰۲/۲۲.
۱۳. بیانات رهبری مورخه ۱۳۹۲/۱۰/۲۹.
۱۴. حسین احمد الخشن، (۱۳۹۰)، اسلام و خشونت (نگاهی نو به پدیده تکفیر)، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی (آستان قدس رضوی).
۱۵. حسین خَلَف، الشیخ خزعل، (۱۳۸۸)، تاریخ الجزيرة العربية فی عصر الشیخ محمد بن عبدالوهاب (حیة الشیخ محمد بن عبدالوهاب)، بیروت.
۱۶. دانشیار، علیرضا، (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی جریان‌های تکفیری از دیدگاه مقام معظم رهبری، از مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام ج ۵، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع).
۱۷. دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی، در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۱۸. ژیل کپل، (۱۳۸۲)، پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۱۹. سایت مقام معظم رهبری: (www.khamenei.ir).
۲۰. سعید، امین، (۱۳۸۴)، سیره الامام الشیخ محمد بن عبدالوهاب، مکه.
۲۱. عمید، حسن، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
۲۲. فیروز جایی، عباس، (۱۳۸۲)، بنیادهای فکری القاعده و وهابیت، مجله راهبرد، تهران، شماره ۲۷.
۲۳. مظاوی الرشید، (۱۳۹۳)، عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۴. نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (از سری نرم افزارهای مجموعه نور) تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.

۲۵. هرایر دکمجیان، (۱۳۹۰)، اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۲۶. الیاسینی، ایمن، (۱۹۷۸)، الدین و الدولة فی المملكة العربية السعودية، نقله الی العربية: الدكتور کمال الیازجی، دارالساقی.